

## مقدمه

در ابتدای سال جاری میلادی، کنفرانسی به همت مرکز مطالعات سیاسی قدس و همکاری بنیاد کنراد آدنauer برای بررسی روند اصلاح و تغییرات دموکراتیک در جهان عرب برگزار شد.

سیاستمداران، فعالان سیاسی، استادان دانشگاه، دولتمردان و فعالان جامعه مدنی با تفکرات مختلف دوازده کشور عربی شرکت داشتند تا به این سوال پاسخ دهند که محدودیت‌های موجود بر سر راه انتخابات تا چه حد و چگونه بر روند اصلاحات سیاسی و تغییرات دموکراتیک در جهان عرب اثر گذاشته است و آیا این تنگناها موجب شده است این کشورها در مسیر دشوار دموکراسی و آزادی به پیش بروند یا به

عقب بازگردند و بالاخره این‌که در این مسیر، چه افناماتی لازم است و چه معیارهایی باید مد نظر باشد.

با مروری بر انتخابات کشورهای عربی در سه سال گذشته، نکات زیر قابل توجه می‌نمایند:

۱. توجه بین‌المللی و علاقه کشورهای جهان به موضوع اصلاحات سیاسی در کشورهای عربی به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است.  
۲. نگرانی و هراس از حاکم شدن جریان‌های اسلامی - سیاسی افزایش یافته است.

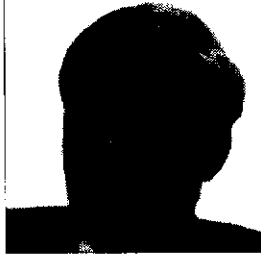
۳. فقدان قانون انتخاباتی که تضمین‌کننده حضور و رقابت احزاب سیاسی و گروه‌های مدرن و سایر نهادهای جامعه مدنی باشد محسوس است.  
۴. در اغلب کشورهای عربی، انتخابات (مجلس یا شهرداری‌ها) به معنای گردش نخبگان سیاسی نیست بلکه قانون انتخابات چنان است که مشوق حضور پرنگیزه قومی و قبیله‌ای یا مذهبی و فرقه‌ای باشد. در بعضی کشورهای عربی، هویت‌های فرعی (نژادی یا قومی) در رقابت با هویت ملی قرار می‌گیرد.

آنچه در پی می‌آید، خلاصه‌ای از مطالب مطرح شده پیرامون این موضوعات است.

## انتخابات در جهان عرب و گذار به دموکراسی

در انتخابات جهان عرب، باید به دو نکته مهم توجه داشت.

نکته اول که توسط دکتر عبدالدین ابراهیم (مدیر مرکز این‌خلدون برای مطالعات توسعه و از برجسته‌ترین چهره‌های جهان عرب در موضوع دموکراسی و اصلاحات سیاسی که مدت‌ها در مصر زندانی بوده است)



## انتخابات و گذار دموکراتیک در جهان عرب

ترجمه سیدمحمد رضا خاتمی

مطرح شده، ناظر بر این موضوع است که برغم مشکلات فراوان موجود بر سر راه انتخابات در جهان عرب، اصولاً نقش برگزاری انتخابات، یک گام به پیش محسوب می‌شود. این امر هنگامی پذیرفتنی تر خواهد بود که شرایط فعلی با گذشته مقایسه شود. برگزاری انتخابات به خودی خود سبب تحرک سیاسی - اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر، حکومت‌ها مانند گذشته قادر به سرکوب نیستند؛ مثلاً در مصر امضای یک بیانیه (در اعتراض به نحوه برگزاری) انتخابات مساوی با زندان بود، اما در چند سال اخیر این حادثه اتفاق نیفتاده است.

امروز تعداد شهروندانی که با آگاهی و اشتیاق خواهان تغییر هستند افزایش یافته است. مصر در سال ۲۰۰۷ شاهد ۲۰۰ اعتصاب و تحصن بزرگ بود و همه این‌ها نشانگر نافرمانی مدنی غیرمنسوق به سابقه است. این حرکت‌ها مختص مصر نیست، بلکه سایر کشورهای عربی هم شاهد این روند هستند.

بنابراین اگر یک حرکت با انگیزه رو به جلو وجود داشته باشد، بسیار بیشتر از افعال سیاسی و بی‌عملی راهگشا خواهد بود. راه‌حل اصلی این موضوع هم آن است که فشار بر حکومت‌های عرب برای اصلاح سیستم انتخابات تداوم داشته باشد.

نکته دوم از سوی دکتر مایکل مایر، نماینده "دموکراسی بین‌المللی" در آلمان عنوان شده است. وی بر تاثیر انتخابات در جهان عرب بر روند گذار دموکراتیک تأکید می‌کند و با توصیف چارچوب انتخابات در این کشورها، نقصان آن را نشان می‌دهد. او نیز معتقد است که اصلاح سیستم‌های انتخاباتی در جهان عرب، مسأله‌ای مهم است که باید چنان شفاف شود که اعتماد رای‌دهندگان را جلب کند. از جمله این اصلاحات، وضع استانداردهای واحد برای حضور و رقابت احزاب اسلامی و سکولار است که تنها با رعایت موازین حقوق بشر و احترام به این ارزش‌ها میسر است. تسهیل در تأسیس احزاب سیاسی از سوی کشورهای عربی از لوازم دیگر بهبود سیستم‌های انتخاباتی است.

از نظر وی، اروپاییان، انتخابات در جهان عرب را برای خود یک اولویت نمی‌دانند، زیرا در حال حاضر، منافع تصمیم‌سازان اروپایی از طریق حکومت‌های موجود در جهان عرب تأمین می‌شود.

در اغلب کشورهای عربی، انتخابات به معنای گردش نخبگان سیاسی نیست، بلکه قانون انتخابات چنان است که مشوق حضور پراگیزه قومی و قبیله‌ای یا مذهبی و فرقه‌ای باشد

## انتخابات و گذار دموکراتیک و روند اصلاحات سیاسی در جهان عرب - مطالعات موردی

### ۱. محتوای کلی انتخابات

الف) انتخابات در جهان عرب، محتوای دموکراتیک ندارد و تحت نظارت کامل دولتهایی صورت می‌گیرد که مخالفان خود را تحت فشارهای سیاسی قرار داده‌اند و با ایجاد شرایط ویژه در انتخابات به بازداشت نیروهای سیاسی، گروه‌های حقوق بشری و روزنامه‌نگارانی که مبلغ دموکراسی هستند، دست می‌زنند. مصر، فلسطین، عراق، بحرین، عربستان سعودی، سوریه و لبنان همگی از کشورهایی هستند که در آن‌ها عده‌ای به جرم اصلاح‌طلبی و تقاضا برای گردش قدرت، قربانی می‌شوند.

ب) در بیشتر کشورهای عربی خلیج فارس، برگزاری انتخابات به معنای اعتقاد حاکمان آن‌ها به دموکراسی و تکثرگرایی نیست، بلکه عمدتاً به دلیل فشارهای بین‌المللی است که پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایجاد شده‌اند، مخصوصاً قطر، امارات و عربستان سعودی شامل این گزاره می‌شوند. تحت همین فشارها بوده است که عربستان برای اولین بار در تاریخ خود شاهد برگزاری انتخابات شهرداری‌ها بود.

ج) مشارکت سیاسی ضعیف زنان و جوانان، فقدان احزاب سیاسی قوی و ضعف شدید نهادهای مدنی، یکی دیگر از ویژگی‌های انتخابات در کشورهای عربی است.

د) مردم جهان عرب تمایلات قوی اسلامگرایانه دارند و همین امر، سبب شده است اسلامگرایان در بعضی پارلمان‌های عربی به کرسی‌های بیشتری دست یابند. اما به نظر نمی‌رسد این گرایش‌ها تأثیر مهمی در گردش قدرت یا پیشرفت دموکراسی داشته باشند. بسیاری از جنبش‌های اسلامی هنوز به گفتمان‌های سنتی

پایند هستند و جهت‌گیری لیبرال - دموکراسی منحصر به نخبگان سیاسی است، در حالی که حرکت‌های اسلامگرایانه بیشتر تمایل به ایجاد شبکه‌های ارتباطی از طریق نهادهای مذهبی داوطلبانه و خدماتی دارند.

### ۲. قوانین انتخاباتی - روند انتخابات

الف) مشکلات و ضعف‌های قوانین انتخاباتی برای مثال، در اردن تقریباً همه نیروهای سیاسی و فعالان جامعه مدنی همگی بر سر این مساله اتفاق نظر دارند که قانون انتخاباتی این کشور به لحاظ برقراری عدالت بین نمایندگان، ناعادلانه است. مثلاً یک نماینده در یک حوزه با حدود ۸۰ هزار رای انتخاب می‌شود، در حالی که در حوزه‌ای دیگر، ۷ هزار رای برای ورود یک نماینده به مجلس کافی است. یا در فلسطین شمارش آراء با مشکل روبروست. به طور نسبی، حماس ۲۹ کرسی و فتح ۲۸ کرسی به دست آورده است، اما اگر بنا را بر اکثریت رای دهندگان بگذاریم، حماس ۴۵ کرسی به دست آورده است و سایر نیروهای سیاسی، حتی یک کرسی را هم تصاحب نمی‌کنند. هر چند این نیروها از لحاظ تعداد نماینده مجموعاً صاحب ۹ کرسی شده‌اند (نیروهای چپ ۵ نماینده و سایر نیروهای ملی ۴ نماینده). همین وضعیت در لبنان، کویت، عراق و... وجود دارد. در هیچ یک از این کشورها، سازمان متشکلی برای ثبت نام رای دهندگان، لیست‌ها و روند انتخابات وجود ندارد و هنوز چند بار رای دادن یا با شناسنامه متوفیان رای دادن، امری شایع است.

ب) بر اساس مشاهدات، میزان مشارکت مردم در انتخابات، بسیار ضعیف است. به عنوان مثال، در مراکش، نسبت رای دهندگانی که به طور رسمی رای می‌دهند ۳۷ درصد کل کسانی است که حق رای دارند. در نظر داشته باشیم که مراکش یکی از کشورهای دارای تجربه طولانی در انتخابات است.

ج) پول هنوز عامل تعیین‌کننده‌ای در روند انتخابات جهان عرب محسوب می‌شود و بعضی کاندیداها رای می‌خرند. در مراکش و اردن، رهبری سیاسی قادر به کنترل جریان پول در روند انتخابات نیست، زیرا میزان فقر و بیکاری و شرایط اقتصادی بد این کشورها و بسیاری از دیگر کشورهای عرب، چنین امری را اقتضاء می‌کند. حتی در کشورهای نفت‌خیز عربی هم فقر، مساله مهمی است، هر چند در این کشورها

فساد و توزیع ناعادلانه ثروت عامل فقر به حساب می‌آید و شاید راه‌حل آن هم جدا شدن موقعیت حاکمان امارات از بودجه هر امارت باشد.

د) فقدان نظارت نهادهای نظارتی یا قضایی مستقل، در اغلب کشورهای عربی سبب شده است تا وزارت کشور که حرف آخر را درباره انتخابات می‌زند عملاً به نفع حکومت وارد میدان شود. ه) بیشتر کشورهای عربی حاضر به پذیرش نظارت بین‌المللی بر انتخابات نیستند و فقط مراکش، با وجود آن که الزامی نداشته است، برای اولین بار نظارت بین‌المللی و منطقه‌ای بر انتخابات خود را پذیرفته است.

### مشارکت سیاسی زنان در انتخابات

الف) مشارکت زنان در پارلمان‌های عربی بسیار ضعیف است و از حد ۳ درصد مجموع نمایندگان تجاوز نمی‌کند.

ب) در قانون اساسی چند کشور عربی برای توانمندسازی حضور زنان تمهیداتی اندیشیده شده است. وجود اصل تساوی حقوق زن و مرد از این جمله است. در بعضی کشورها اصل تساوی حقوقی را به صورت برابری حقوق سیاسی، حقوق برابر در تصدیق بست‌های سیاسی و ایجاد فرصت‌های برابر به منصف ظهور رسانده‌اند. اما شرایط سیاسی - اجتماعی حاکم و نیز عوامل فرهنگی و تاریخی این کشورها از همان ابتدا، مانعی برای گسترش این دیدگاه‌ها محسوب شده است.

ج) بعضی از کشورها با استفاده از روش "سه‌میه‌بندی" به عنوان اقدامی موقت برای غلبه بر مشکل مشارکت ضعیف زنان استفاده کرده‌اند تا بتوانند اصل برابر حقوقی را عملی کنند. همچنین برای این که از اصل "برابری فرصت‌ها" به اصل "برابری در نتیجه" برسند، تسهیلاتی برای افزایش مشارکت زنان در شوراهای محلی و پارلمان فراهم کرده‌اند. مراکش، موریتانی، عراق، اردن، فلسطین و سودان از جمله این کشورها هستند. برای تحقق این امر چند اصل در قانون اساسی یا قوانین انتخاباتی منظور کرده‌اند. اما این‌ها هنوز کافی نیست و زنان باید توسط قانونی که تعداد آن‌ها را در لیست‌های انتخاباتی تضمین کند، حمایت شوند.

د) هر چند سیستم سه‌میه‌بندی به حضور بیشتر زنان در انتخابات کمک می‌کند، اما حضور واقعی زنان در سیاست قابل حصول نیست مگر این که در بطن جامعه اصلاحاتی صورت گیرد و تلقی

عراق را شیعیان تشکیل می دهند و در مجالس کویت و بحرین هم نمایندگانی از آن ها حضور دارند. قدرت اثرگذاری شیعیان در لبنان از طریق جنبش امل و حزب الله نیز روشن است.

۳. بخشی از گرایش های اسلامی جهان عرب، حاضر به مشارکت در انتخابات نیستند، چرا که سیستم سیاسی حاکم را غیراسلامی و محصولی غربی می دانند. عمده ترین نهاد این گرایش، "سلفی ها" در تمام اشکال آن هستند.

این گرایش در عربستان سعودی ریشه دارد و با کمک پول سعودی در تمام جهان عرب، شاخ و برگ می تواند. همچنین باید از حزب "تحریک" یاد کرد که در اوائل دهه پنجاه قرن بیستم در بیت المقدس تاسیس شد. اعضای این حزب ارتودوکس های اسلامی هستند که به نظام خلافت اعتقاد دارند و در شرایط خاصی حاضر به مشارکت سیاسی هستند.

گروه "عدل و احسان" در مراکش یک گروه اسلامی است که مشارکت سیاسی را با قانون اساسی فعلی و در شرایط موجود نفی می کند. این حرکت، تمام اشکال خشونت و اقدامات مسلحانه را محکوم می کند. در مقابل به "Symbolic gang war" معتقد است که مشروعیت نظام حاکم را سلب می کند و در دل مردم نسبت به آن شک و تردید ایجاد می کند.

به طور خلاصه صاحب نظران سیاسی عرب در مورد حرکت های اسلامی معتقدند: الف) سنجیدن نفوذ گرایش های اسلامی در جوامع عربی، فقط بر مبنای مشارکت در اداره امور یا سیاست پذیرفتنی نیست. جنبش های اسلامی متعددی در سراسر جهان عرب بال گشوده اند و وزن خود را نیز دارند. این جنبش ها ممکن است در مشارکت رویکردی محافظه کارانه داشته باشند یا نخواهند در روند مشارکت سیاسی فعال باشند یا حتی رویکرد تحریمی اتخاذ کنند. جنبش های اسلامی جهان آن گاه که در آزمون عملی قرار می گیرند، تفاوت های خود را در نگرش به دموکراسی و نوع برخورد خود را با "دیگران" آشکار می کنند. ب) هر چند جنبش های اسلامی مشارکت جو در نهادهای سیاسی و قانونی هنوز به اندازه کافی قدرتمند نیستند، با این وجود آن ها که معتقد به عمل در چارچوب قوانین موجود هستند، فرصت آن را پیدا می کنند که در توسعه دموکراسی نقشی ایفا کنند. این نقش، نقشی پویاست که می تواند به تقویت عرصه سیاست و استغنائی آن با تجربه ها و ایده های نوین منجر شود. همچنین سبب می شود این گروه از اسلامگرایان به توفیقات واقعی دست یابند و توانایی های خود را در نوسازی، توسعه و همزیستی نشان دهند.

ج) نگرانی موجود پس از باز شدن درها به روی اسلامگرایان و حضور همه جانبه ایشان در نهادهای سیاسی، آن است که ایشان چه اندازه تاب تحمل دگراندیشان را خواهند داشت و پس از آن که از نردبان دموکراسی بالا رفتند و به قدرت رسیدند، تا چه حد به اصول دموکراسی و فادار خواهند ماند؟ این "تولت اسلامی" که آرمان بسیاری از اسلامگرایان است، تضاد خود با دموکراسی را که لازمه آن پایبندی به قانون اساسی و فراهم کردن زمینه برای قدرت گرفتن سایرین است، چگونه حل خواهد کرد؟

### تقویت و توانمند ساختن نهادهای جامعه مدنی در جهان عرب، بسیار مهم است؛ این نهادها باید بتوانند به صورت خودجوش به حمایت از تلاش های رسمی برای نیل به اصلاحات برخیزند

جامعه از زنان دچار تحول شود.

ه) یک پدیده جدید در جهان عرب "قمینزاسیون" سیستم های حکومتی اتوکرات است. قدرت یافتن زنان سبب می شود زنانی از همان جنس به صحنه بیایند و مانع از حضور سایر زنان در عرصه قدرت شوند. در حقیقت سیستم سهمیه بندی در این کشورها چنان پیرایش شده است که تنها به اندازه قامت فقط برخی زنان باشد.

**احزاب سیاسی - جنبش های اسلامی - انتخابات و گردش قدرت در جهان عرب**  
ناکامی احزاب اسلامگرای میانه و سنتگرا در انتخابات کشورهای مثل مصر، اردن و مراکش، این سوالات را به ذهن متبادر می کند که آیا نقش اسلام سیاسی کاهش یافته است؟ یا آیا این گروه ها

هنوز در جوامع عربی اثرگذار هستند؟ آیا نیروهای سیاسی جدیدی جایگزین احزاب اسلامی شده اند؟ و اصولاً نقشه نیروهای سیاسی در کشورهای عربی چگونه ترسیم می شود؟

مثلاً جنبش اخوان المسلمین در اردن، در انتخابات اخیر تنها برنده ۶ کرسی بود، در حالی که در انتخابات گذشته ۱۷ کرسی مجلس را به خود اختصاص داده بود؛ یا در انتخابات شوراهای مشورتنی مصر، اخوان المسلمین نتوانستند حتی یک کرسی را هم از آن خود کنند، هر چند در انتخابات مجلس هشتم و هشت کرسی را به خود اختصاص دادند. با این حال به نظر نمی رسد در انتخابات پیش روی شهرداری ها بتوانند تعداد قابل توجهی از کرسی ها را به دست آورند.

پیروزی حماس در انتخابات فلسطین نیز با ناکامی کامل در اداره امور در کرانه غربی و نوار غزه همراه بود.

در پاسخ به سوالات فوق، می توان جنبش های اسلامی در جهان عرب را به گروه های زیر تقسیم بندی کرد:

۱. گرایش های اخوان المسلمینی که در انتخابات بر اساس یک قاعده ثابت و منظم شرکت می کنند و اعلام می کنند به قواعد بازی دموکراسی پایبند هستند.

۲. گرایش های شیعی، یکی دیگر از مشارکت جویان در انتخابات هستند و با احزاب سیاسی خاص خود در بعضی پارلمان های عرب نمایندگانی هم دارند. نقش سیاسی شیعه در بعضی کشورهای عرب، پس از سقوط رژیم بعث عراق آشکار شد. اکثریت اعضای پارلمان

## قانون اساسی - قوانین انتخاباتی

آیا قانون اساسی کشورهای عربی تضمین کننده دموکراسی، تکثرگرایی و حقوق بشر است؟ (الف) در کشورهای عربی، قوانین اساسی از نظر توجه به دموکراسی، تکثرگرایی و حقوق بشر متفاوت است. بعضی کشورها این اصول را در وضع قوانین عادی خود مورد نظر قرار داده اند، ولی در مقابل بعضی دیگر، هیچ علاقه‌ای به این موضوعات نشان نمی‌دهند. البته باید توجه داشت که گنجاندن این عناوین در قانون اساسی لزوماً به معنای کاربردی شدن آن‌ها و محترم دانستن این اصول نیست. حقیقت آن است که بعضی از این کشورها هیچ تلاش صادقانه‌ای برای پایان دادن به این وضع، انجام نمی‌دهند. (ب) کنترل قانونی انتخابات در کشورهای عربی، نیازمند اصلاحات و بازبینی است. هدف از این کار برگزاری یک انتخابات دموکراتیک برای بستن راه بر مفسدان و زورمداران است. این بازنگری‌ها باید متضمن فراهم شدن زمینه برای حضور گسترده‌تر جوانان و زنان نیز باشد. اگر اصلاحات صورت گیرد، آن‌گاه انتخابات به امری عینی در زندگی مردم تبدیل خواهد شد و دیگر در محاسبات تنگ سیاسی یا رویکردهای امنیتی محصور نخواهد ماند.

(ج) عوامل و نیروهایی وجود دارند که در برابر گردش قدرت از راه انتخابات، مانع ایجاد می‌کنند. این عوامل عبارتند از: فقدان نظارت موثر، پول، زورمداری، مداخله قدرت، ضعف مشارکت سیاسی عمومی، مشارکت ضعیف زنان و جوانان و ...

تجربه ثابت کرده است که اگر کنترل‌هایی از این جنس در کار نباشند، این موانع به سرعت رشد می‌کنند. فقدان چنین کنترل‌هایی سبب شده است تا در حال حاضر جهان عرب، در عین حال که با تراکم برگزاری انتخابات روبروست، فضای سیاسی بیخ‌زده‌ای را تجربه کند.

(د) سیستم انتخاباتی جهان عرب عموماً با هدف بازتولید مناسبات قدرت موجود و تلاوم نظام حاکم با تمام خصوصیات و مکانیسم‌های آن، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. این سیستم مانع عمده‌ای بر سر راه دموکراسی محسوب می‌شود. هر چند تمام سیستم‌های انتخاباتی در دنیا دارای جنبه‌های مثبت و منفی هستند، ولی جهان عرب هنوز حتی یک میدان مناسب سیاسی برای بازی نیروهای سیاسی خود ندارد. خود این فضای

مناسب وقتی پیدا می‌شود که قوانین حقوقی، حضور تمام نیروهای سیاسی را تضمین کند، به نحوی که همه نیروها بتوانند به طور برابر به رقابت بپردازند و بسته به میزان تلاش خود و آرای که مردم به آن‌ها می‌دهند، در نظام قدرت نمایندگانی داشته باشند.

## انتخابات در جهان عرب

حمایت از شهروندی دموکراتیک یا عمق بخشیدن به فرقه‌گرایی، جدایی طلبی و انفکاک دینی؟ امروزه پدیده جدایی طلبی در برخی کشورهای عربی قابل مشاهده است. در این رابطه باید به نکات زیر توجه داشت:

(الف) دموکراسی با وجود مشکلاتی که دارد، همواره باید به عنوان بهترین شیوه حکمرانی مورد تأکید قرار گیرد. دموکراسی راهی برای تقویت وحدت ملی و غلبه بر اختلافات و شکاف‌های فرقه‌ای است که بر جهان عرب سایه انداخته‌اند. اساس توسعه کشورها باید بر مبنای وابستگی به سرزمین بنا نهاده شود و نه بر مبنای فرقه. انتخابات شرافتمندانه و مسئولانه، عاملی برای همبستگی بیشتر مردم یا حاکمیت خواهد بود، چرا که از سوی حاکمیت دولت بر سرزمین و شهروندان را مستحکم‌تر می‌کند و از سوی دیگر، موجب تأمین امنیت شهروندان می‌شود و از گسترش رادیکالیسم جلوگیری می‌کند.

(ب) یکی از مسائل جوامع آن است که تا چه میزان فرهنگ‌ها و فرقه‌های گوناگون امکان همزیستی با یکدیگر را داشته باشند. یک عامل مهم در تعیین میزان این همزیستی، نوع تعامل قدرت‌های سیاسی یا اجتماعی با این نیروهاست.

حاکمیت عدالت، آزادی و دموکراسی سبب خواهد شد تا برخی عناصر اجتماعی در خلوت خود پنهان گردند و از جامعه جدا شوند و راه انزوا در پیش گیرند. این عناصر به جستجوی پروژه‌های جان‌شین خواهند پرداخت که اختصاصاً برای آن‌ها تعیین شده باشد. پابندی به این اصول سبب پایان یافتن نزاع‌ها، مزاحمت‌ها، فتنائیسیم و جدایی خواهی می‌شود، به طور مبنایی به تثبیت وحدت ملی کمک می‌کند و مردم را به سوی همزیستی و اعتماد بیشتر به یکدیگر سوق می‌دهد.

## توصیه‌هایی برای توسعه دموکراسی در جهان عرب

می‌توان از مجموعه بحث‌ها و بررسی‌های کنفرانس، یک بسته توصیه‌های سازنده استخراج

کرد که شامل عوامل متعادل کننده و متمایز کننده است. این توصیه‌ها برای اصلاح مکانیسم‌های انتخاباتی و گردش دموکراتیک قدرت در جهان عرب موثر خواهند بود.

۱. لازم است در قانون اساسی و قوانین عادی اصلاحات صورت گیرد تا انتخابات به معنای واقعی کلمه، انتخابات باشد. این امر از طریق تقویت نقش پارلمان و تعریف وظایف "کولت" میسر می‌شود. گفت‌وگو و لابی دائمی با نظام حاکم، دستیابی به این هدف را آسان‌تر می‌کند.

۲. ایجاد سیستم انتخاباتی مناسب برای برقراری سیستم رای‌گیری درست و سالم و شفاف و قابل اعتماد، ضروری است.

۳. برای پیگیری قانونی شکایات باید برپا ساختن نهادهای مستقل انتخاباتی در هر کشور عربی و نیز وجود سیستم قضایی مستقل با مکانیسم‌های قابل اعتماد مورد توجه باشد.

۴. گسترش فرهنگ دموکراسی و توسعه اقتصادی به منظور تقویت اصلاحات سیاسی و برای غلبه بر سوء استفاده از قدرت و تأثیر گذاری پول بر تصمیم شهروندان، ضروری است.

۵. باید نسبت به توسعه مشارکت سیاسی زنان و جوانان اهتمام شود.

۶. تقویت و توانمند ساختن نهادهای جامعه مدنی در جهان عرب، بسیار مهم است؛ این نهادها باید بتوانند به صورت خودجوش به حمایت از تلاش‌های رسمی برای نیل به اصلاحات برخیزند و نیز بتوانند با آموزش عمومی در زمینه انتخابات و ترویج فرهنگ انتخاباتی در سطح ملی و ارتباط با نهادهای بین‌المللی، به وظیفه خود عمل کنند.

۷. باید از جامعه بین‌المللی درخواست کرد تا با فشار آوردن بر حکومت‌های عرب، آن‌ها را به پذیرش اصلاحات سیاسی وادار کند، چرا که امروزه جهانیان علاقه چندانی به دموکراسی و اصلاحات سیاسی در جهان عرب نشان نمی‌دهند.

۸. باید از تعمیم فضاوت‌ها و نتایج اجتماعی-سیاسی بخشی از جهان عرب به کل کشورهای عربی اجتناب کرد. جوامع عربی به لحاظ ساختاری و توسعه، جوامعی متفاوت قلمداد می‌شوند.

### پانویس

۱. اخوان المسلمین به خاطر اعتراض به روند انتخابات و دستگیری رهبران خود این انتخابات را تحریم کرد.